

یادداشت

ترامپ وین‌بست پیروزی

او به نتیجه‌ای نیاز دارد که بتوان آن را نشان داد، نام‌گذاری کرد و در کارنامه ثبت کرد: توافق، عقب‌نشینی طرف مقابل، پایان جنگ با پیروزی. در منطق کارس، «عنوان» زمانی تثبیت می‌شود که بازی پایان یافته باشد. تا وقتی طرف مقابل هنوز قادر به ادامه بازی است، اعلام پیروزی با تثبیت پیروزی یکسان نیست. با این حال، ایران با منطق دیگری نیز آشناست: منطقی که شاید بتوان آن را «حافظه بقا» نامید. حافظه بقا صرفا خاطره تاریخی زنده‌ماندن نیست؛ اثباتست تجربه‌هایی است که به یک جامعه می‌آموزد چگونه شکست را از پایان جدا کند. جامعه‌ای که بارها جنگ، اشغال، فروپاشی نظم سیاسی، تغییر حکومت و جابه‌جایی مرزها را تجربه کرده است، فقط خاطره آن حوادث را با خود حمل نمی‌کند؛ شیوه‌هایی برای معنادادن به بحران، تحمل نااطمینانی و بازسازی امکان ادامه‌دادن را نیز در حافظه جمعی خود اثباتشه می‌کند. تاریخ ایران از این منظر شایان تأمل است. حکومت‌ها سقوط کرده‌اند، فاتحان آمده‌اند و جنگ‌ها و بحران‌های بزرگ رخ داده‌اند، اما هر گسست الزاما به گسست کامل تاریخی تبدیل نشده است. زبان، فرهنگ، حافظه تاریخی و نهاد‌های اجتماعی بارها امکان‌هایی برای بازسازی تداوم فراهم کرده‌اند. آنچه باقی مانده الزاما همان نظم پیشین نبوده؛ مهم‌تر، امکان دوباره ادامه‌دادن بوده است. جغرافیا نیز در شکل‌گیری این حافظه سهم داشته است. قرارگرفتن ایران در چهارراه رقابت قدرت‌ها، قرن‌ها نااطمینانی را به بخشی از تجربه تاریخی آن تبدیل کرده است. سنت شیعی نیز با مفاهیمی همچون صبر، انتظار و شهادت، امکان خاصی برای معنادادن به شکست مادی فراهم کرده است: شکست می‌تواند سنخین باشد، بدون آنکه الزاما آخرین فصل داستان تلقی شود. بنابراین، «حافظه بقا» نه به معنای شکست‌ناپذیری ایران است و نه تضمینی برای پیروزی آینده. حتی ممکن است در شرایطی فرسوده شود یا دیگر کار نکند. مقصود چیز محدودتر و دقیق‌تری است: توان تاریخی تبدیل شکست به پایان‌ناپذیری؛ یعنی حفظ امکان بازگشت، بازسازی و حرکت بعدی. در چنین منطقی، بقا نقطه مقابل شکست نیست؛ نقطه مقابل پایان است. و درست همین‌جا مسئله برای ترامپ دشوارتر می‌شود. آمریکا در بسیاری از شاخص‌های نظامی و اقتصادی، نسبت به ایران برتری چشمگیری دارد. این برتری می‌تواند ظرفیت‌ها را تخریب کند، هزینه تحمیل کند و موازنه یک نیرد را تغییر دهد. با این حال، قدرت نظامی یک محدودیت اساسی دارد: نمی‌تواند به‌تلهایی تعیین کند بازی چه زمانی تمام شده است. می‌توان تاسیسات را هدف قرار داد، اما نمی‌توان با بمباران به‌تلهایی تعیین کرد فردای آن روز طرف مقابل دیگر بازی نخواهد کرد. می‌توان خسارت وارد کرد، اما تبدیل خسارت نظامی به پایان سیاسی، به رفتار حریف، وضعیت داخلی کشور و شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی نیز وابسته است. همین‌جا تفاوت میان «قدرت» و «توان» اهمیت پیدا می‌کند. قدرت می‌پرسد: تا چه اندازه می‌توانم به حریف خسارت وارد کنم؟ توان می‌پرسد: پس از تحمل خسارت، آیا هنوز می‌توانم بازی کنم؟ البته بازی نامحدود به معنای منابع نامحدود نیست. ایران نیز ممکن است چنان تحت فشار اقتصادی، نظامی یا اجتماعی قرار گیرد که ظرفیت ادامه بازی‌اش کاهش یابد. جامعه یا مجموعه اهداف اعلام‌شده و تبدیل برخی تحلیلی بیرون و هزینه بقا می‌تواند از توان تحمل فراتر رود. بنابراین پرسش آینده این منازعه فقط این نیست که چه کسی قدرت بیشتری دارد؛ پرسش مهم دیگر این است که کدام طرف زودتر یا محدودیت ادامه بازی مواجه می‌شود. جنگ‌های ۱۲روزه و سپس رمضان، آزمون همین منطق بودند. ایران در هر دو جنگ خسارت‌های سنگینی متحمل شد، اما از یکی از سخت‌ترین میدان‌های خود عبور کرد؛ در حالی که آمریکا در حقیقت مجموعه اهداف اعلام‌شده و تبدیل برخی تحلیلی خود به یک پایان سیاسی تعیین‌کننده ناکام ماند. ایران، به‌مثابه کششگری که یک بازی نامحدود، پیروز از این میدان بیرون آمد و در بازی باقی ماند. باقی‌ماندن در بازی اینجا فقط دوام‌آوردن نیست، یعنی حفظ ساختار سیاسی، تداوم امکان کشش و پاسخ، حفظ انسجام اجتماعی، جلوگیری از تحمیل پایان مطلوب طرف مقابل و بازگشت به میدان دیپلماسی با امکان چانه‌زنی. آمریکا توانست ضربه بزند، خسارت وارد کند و هزینه تحمیل کند، اما نتوانست این برتری را به یک پیروزی سیاسی تعیین و «عنوان پیروزی» تبدیل کند. ایران، در مقابل، آنچه را برای یک بازیگر نامحدود نیازمند بوده است، حفظ کرد: ماندن، ادامه‌دادن و داشتن حرکت بعدی. از این منظر، تفاوت دو منطق روشن‌تر می‌شود. در بازی محدود، آمریکا برای پیروزی باید بتواند نتیجه میدان را به یک پایان تبدیل کند. در بازی نامحدود، ایران برای موفقیت الزاما مجبور نیست آمریکا را در معنای متعارف شکست دهد؛ کافی است مانع تبدیل‌شدن ضربه‌ها و شکست‌های مقطعی به پایان بازی شود. شاید «بن‌بست پیروزی» ترامپ همین‌جا باشد. او در جنگ به صحنه پیروزی نیاز داشته و امروز نیز به «عنوان پیروزی» نیاز دارد؛ به لحظه‌ای که مقابل دوربین‌ها بایستد و بگوید: تمام شد. اما جنگ با اعلام پایان، پایان نمی‌یابد. پایان واقعی زمانی فرا می‌رسد که طرف مقابل دیگر نتواند برجزب، پاسخ دهد، مذاکره کند، انتخاب کند و حرکت بعدی را انجام دهد. ایران در دو جنگ اخیر ضربه خورد، هزینه داد و خسارت دید، اما مهم‌ترین چیزی را که حریف برای کامل‌کردن پیروزی خود به آن نیاز نداشت، به او نداد: پایان. آمریکا توانست قدرتش را نشان دهد، ولی نتوانست آن را به آخرین صفحه این منازعه تبدیل کند. اینجااست که معنای پیروزی تغییر می‌کند. گاهی پیروزی فتح آخرین سنگر نیست؛ نگذاشتن نقطه پایان است. گاهی لازم نیست حریف را از بازی بیرون کنی؛ کافی است اجازه ندهی او تو را از بازی بیرون کند. ترامپ برای «عنوان پیروزی» به پایان نیاز دارد. ایران برای ندادن این عنوان، باید توان ادامه‌دادن را حفظ کند. و شاید تمام داستان همین باشد: ترامپ به آخرین حرکت نیاز دارد، ایران فقط به حرکت بعدی.

شرق: با نزدیک‌شدن موعد ۳۰ سپتامبر برای خروج باقی‌مانده نیروهای ائتلاف تحت رهبری آمریکا از عراق، رابطه واشینگتن و بغداد وارد مرحله تازه‌ای می‌شود؛ مرحله‌ای که در آن دلار، سرمایه‌گذاری، همکاری دفاعی و نفوذ مالی می‌توانند جای حضور نظامی را به عنوان مهم‌ترین اهرم‌های آمریکا بگیرند. در روزهای پایانی سپتامبر و موعد خروج باقی‌مانده نیروهای ائتلاف تحت رهبری آمریکا از عراق، بحث اصلی در واشینگتن دیگر فقط بر سر پایان یک حضور نظامی طولانی نیست؛ مسئله این است که رابطه با بغداد پس از خروج چگونه تعریف شود. ارزیابی مطرح‌شده این است که آمریکا حتی بدون نیروی نظامی نیز مجموعه‌ای از ابزارهای مؤثر در اختیار دارد. اما موفقیت آن به تمایز میان «نفوذ» و «کنترل» وابسته خواهد بود. حضور نظامی طی حدود دو دهه اخیر به واشینگتن امکان می‌داد مستقیما بر بسیاری از تصمیم‌های امنیتی عراق اثر بگذارد. پس از خروج، این اهرم به شکلی دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد. دلار و نظام مالی بین‌المللی، تحریم‌ها، فروش تسلیحات، همکاری اطلاعاتی، نفوذ دیپلماتیک، سرمایه‌گذاری، فناوری و دسترسی به بازارهای غربی همچنان ابزارهایی هستند که می‌توانند رابطه دو کشور را شکل دهند. انتظار می‌رود رابطه واشینگتن و بغداد پس از خروج، کمتر امنیتی و گسترده‌تر شود و این ابزارها برای نفوذ به کار روند، نه تحمیل تصمیم‌های مطلوب واشینگتن. همکاری دفاعی و ضدتروریسم، به‌ویژه برای جلوگیری از احیای داعش، همچنان اهمیت دارد، اما اقتصاد می‌تواند سهم بیشتری در رابطه پیدا کند. عراق برای توسعه انرژی، برق، زیرساخت، بانکداری و حمل‌ونقل به فناوری و سرمایه‌گذاری خارجی نیاز دارد و آمریکا می‌تواند بخشی از نفوذ خود را از مسیر تجارت و سرمایه‌گذاری حفظ کند. این مسیر با توافق چارچوب راهبردی آمریکا و عراق در سال ۲۰۰۸ نیز سازگار است؛ توافقی که همکاری را به حوزه دفاع محدود نمی‌کرد و اقتصاد، انرژی، آموزش و دیپلماسی را نیز در بر می‌گرفت.

نقش کلیدی دلار

یکی از مهم‌ترین اهرم‌های واشینگتن پس از خروج، نظام مالی دلارمحور خواهد بود. درآمد‌های نفتی عراق با نرخ بین‌المللی دلار پیوند خورده و بانک‌های عراقی برای تراکنش‌های دلاری و بانکداری کارگزاری به دسترسی به شبکه مالی آمریکا نیاز دارند. به نوشته «اوپل پرایس»، محدودیت ارسال فیزیکی دلار به عراق در سال ۲۰۲۶ نمونه‌ای از همین قدرت معرفی می‌شود؛ محدودیتی که در متن تکرانی‌های آمریکا درباره فعالیت شبه‌نظامیان نزدیک به ایران در جریان‌های مالی غیرقانونی اعمال شد.

این ابزار می‌تواند برای مقابله با پول‌شویی، دوزدن تحریم‌ها و تأمین مالی گروه‌های مسلح به کار رود. اما همین‌جا مرز میان نفوذ و کنترل دوباره اهمیت پیدا می‌کند. دفاع از سلامت نظام مالی آمریکا و الزام بانک‌های متصل به آن به رعایت استانداردهای شفافیت، مبارزه با پول‌شویی و تحریم‌ها یک موضوع است و استفاده از دلار برای تحمیل تصمیم‌های سیاسی بر بغداد موضوعی دیگر. فشار بیش از اندازه می‌تواند عراق را به جست‌وجوی مسیرهای جایگزین سوق دهد. نسخه پیشنهادی، گزارش‌ها از هشدار اطلاعاتی آمریکا درباره احتمال حملات پهلپادی روسیه به فرانسه، اسپانیا و ایتالیا، نگرانی اروپا از گسترش جنگ هیبریدی مسکو را افزایش داده است؛ تهدیدی که مقام‌های اروپایی می‌گویند ممکن است با پهلپاد، خرابکاری و حمله به زیرساخت‌ها، بدون عبور آشکار از آستانه جنگ با ناتو دنبال شود. به نوشته نیوزمکس، روزنامه اسپانیایی ال‌موندو گزارش داده است سازمان‌های اطلاعاتی از جمله سیا درباره احتمال حملات درپایرب به فرانسه، اسپانیا و ایتالیا هشدار داده‌اند. ایندیندنت نیز با استناد به اطلاعاتی که در اختیار چند دولت اروپایی قرار گرفته، نوشته است روسیه ممکن است در حال بررسی گسترش عملیات خود فراتر از جناح شرقی ناتو باشد. این احتیاط اهمیت زیادی دارد. آنچه تاکنون منتشر شده نه اعلام رسمی سیا، بلکه گزارشی رسانه‌ای درباره ارزیابی اطلاعاتی منتسب به این سازمان است. چند تحلیلگر دفاعی که نامشان منتشر نشده نیز به ال‌موندو گفته‌اند از ارزیابی‌ای آگاهانه که میان ورزخانه‌های خارجه کشور های اروپایی در گردش است و احتمال حمله روسیه را بررسی می‌کند، فرانسه، اسپانیا و ایتالیا در این

با نزدیک‌شدن خروج نیروهای ائتلاف، واشینگتن برای رابطه تازه با بغداد آماده می‌شود

نفوذ پس از خروج



«دسترسی مشروط» است: درآمد نفتی عراق متعلق به خود عراق بماند، اما بانک‌هایی که خواهان دسترسی به نظام مالی بین‌المللی هستند استانداردهای لازم را رعایت کنند.

چالش گروه‌های نظامی

پیچیده‌ترین پرونده پس از خروج، گروه‌های مسلح خارج از دولت مرکزی خواهد بود؛ گروه‌هایی که بخشی از عراقی‌ها آنها را «مقاومت» می‌نامند و برخی از آنها در سیاست، پارلمان، اقتصاد و حتی ساختار رسمی امنیتی عراق حضور دارند. دولت عراق متعهد شده تا ۳۰ سپتامبر برای خلع سلاح این گروه‌ها اقدام کند، اما گزارش‌های اخیر نشان می‌دهد چند گروه قدرتمند نظامی این‌ضرب‌الاجل را رد کرده‌اند و خروج کامل نیروهای خارجی را یکی از پیش‌شرط‌های خود می‌دانند. روتریز نیز اوایل سپتامبر گزارش داد پنج گروه مسلح، ضرب‌الاجل را رد کرده‌اند و اجرای آن با موانع جدی داخلی روبه‌روست. این نگرانی وجود دارد که مطالبه خلع سلاح قوری و هم‌زمان همه این نیروها می‌تواند نتیجه معکوس داشته باشد. شبکه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برخی از این گروه‌ها به اندازه‌ای گسترده است که برخورد یکباره با آنها ممکن است به شکاف داخلی، تضعیف دولت و حتی مداخله بیشتر همسایگان منجر شود. از این منظر، ۳۰ سپتامبر بیش از آنکه موعد تحویل آخرین سلاح باشد، باید یک نقطه عطف سیاسی تلقی شود که پس از آن روند انتقال قدرت نظامی به دولت به شکل واقعی و غیرقابل بازگشت ادامه یابد. راه پیشنهادی، «تغییر شکل» به جای انحلال قوری است. نیروهایی که فرمان دولت ووزجره رسمی فرماندهی را می‌پذیرند، می‌توانند در ارتش یا پلیس ادغام شوند و ساختارهای فرماندهی مستقل و تسلیحات سنکین به‌تدریج حذف شوند. استدلال غالب حامیان این رویکرد این است که تجربه انحلال ناگهانی ارتش عراق در سال ۲۰۰۳ هنوز هشداردهنده است؛ اقدامی که شمار زیادی از نظامیان سابق را از ساختار رسمی بیرون راند و بخشی از آنان بعدها به شورش مسلحانه پیوستند. نمونه‌های تاریخی خلع سلاح در ایرلند شمالی و بوسنی نیز در این مسئله برای تأکید بر سه شرط مطرح می‌شوند: دولت قدرتمند، مشوق‌های سیاسی و اقتصادی و خلع سلاح داوطلبانه. عراق هنوز همه این شرایط را در اختیار ندارد. چند گروه مسلح اخیرا پیشنهاد کرده‌اند تسلیحات سنکین خود را برای دو سال در انبار نگه دارند و از عملیات نظامی خودداری کنند، اما کنترل انبارها در اختیار خود آنها باقی بماند؛ بغداد این پیشنهاد را نپذیرفته است و مذاکرات

ادامه دارد. در همین چارچوب، رابطه عراق با ایران نیز آزمون مهمی برای سیاست پس از خروج آمریکاست. جغرافیا و روابط تاریخی و اقتصادی، ایران را به همسایه‌ای غیرقابل حذف برای عراق عراق تبدیل کرده است. واشینگتن نباید عراق را میان آمریکا و ایران به انتخابی صفر و یک وادار کند. تجارت با ایران، خرید برق یا حضور سیاستمداران نزدیک به تهران لزوما به معنای تهدید مستقیم علیه منافع آمریکا نیست. خط قرمز پیشنهادی جای دیگری قرار دارد؛ اینکه نفوذ ایران از مسیر سیاست و روابط عادی میان دو کشور اعمال شود یا از طریق ساختار نظامی موازی که خارج از کنترل دولت عراق عمل می‌کند. بر این اساس، آمریکا می‌تواند وجود سطحی از نفوذ سیاسی و اقتصادی ایران را بپذیرد، اما با کنترل بر نیروهای مسلح عراقی، مرزها یا شبکه‌های مالی غیرقانونی مقابله کند. چنین رویکردی در پی حذف ایران از عراق نیست، بلکه بر حاکمیت دولت بغداد بر تصمیم‌های امنیتی تأکید دارد.

مشوق به‌جای تهدید

اهرم‌های مالی آمریکا نیز می‌توانند از ابزار تنبیه به بخشی از یک رابطه مشروط و مثبت تبدیل شوند. پیشرفت بغداد در کنترل گروه‌های مسلح، اصلاح بانک‌ها و جلوگیری از دوزدن تحریم‌ها می‌تواند با سرمایه‌گذاری بیشتر آمریکا، همکاری دفاعی و دسترسی گسترده‌تر به بازارهای مالی همراه شود. در مقابل، حمله گروه‌های نظامی، پول‌شویی یا نقض سازمان‌یافته تحریم‌ها می‌تواند تحریم‌های هدفمند و محدودیت‌های مالی به دنبال داشته باشد. این تغییر رویکرد برای واشینگتن آسان نخواهد بود. آمریکا طی دهه‌های حضور و جنگ در عراق حدود سه تریلیون دلار هزینه کرده و بیش از ۴۴۰۰ نیروی خود را از دست داده است. پس از چنین سرمایه‌گذاری سنگینی، پذیرش اینکه بغداد گاهی تصمیم‌هایی برخلاف خواست واشینگتن بگیرد دشوار است. با این حال، ارزیابی اوپل پرایس، تأکید می‌کند فشار مستقیم در سیاست عراق اغلب نتیجه مطلوب نمی‌دهد و نفوذ پایدار بیشتر از مسیر مشوق، راه همسویی منافع و احترام به موازنه‌های داخلی شکل می‌گیرد. عراق ۲۰۲۶ نیز با عراق ۲۰۱۱ تفاوت دارد. بخش بیشتری از نخبگان عراقی اکنون شراکت راهبردی با آمریکا را مفید می‌دانند و سرمایه‌گذاری، فناوری و دسترسی اقتصادی غرب می‌تواند جذابیتی ایجاد کند که حضور نظامی به‌تلهایی قادر به ایجاد آن نیست. اگر چنین فرصتی حفظ شود، پایان مأموریت نظامی لزوما پایان نفوذ آمریکا نخواهد بود. فرمول نهایی این دیدگاه، خروج نظامی همراه با حفظ حاکمیت عراق، همکاری دفاعی دوچانه، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، استفاده محتاطانه از اهرم مالی و اصلاح عراقی‌محور گروه‌های مسلح است. در این چارچوب، هدف واشینگتن نباید ریشه‌کن‌کردن نفوذ همسایگان بر عراق باشد؛ هدف، عراقی است که بتواند هم‌زمان با واشینگتن و تهران رابطه داشته باشد، اما تصمیم‌های امنیتی آن در بغداد گرفته شود. پذیرش کنترل کمتر، شاید در نهایت راه مؤثرتری برای حفظ نفوذ بلندمدت آمریکا باشد.

نگرانی از گسترش عملیات هیبریدی روسیه در اروپا افزایش یافته است

هشدار پهلپادی در غرب اروپا

ارزیابی به عنوان اهداف احتمالی مطرح شده‌اند. به نوشته این منابع، نگرانی مشخص درباره استفاده از پهلپادهای گریزا با محموله انفجاری است. مقام‌های لیتوانیایی معتقدند این پهلپادا می‌توانند از کشتی‌هایی در دریا پرتاب شوند و به این ترتیب امکان هدف قراردادن نقاطی در عمق بیشتری از اروپا، از جمله بنادر، فرودگاه‌ها یا دیگر زیرساخت‌های آسیب‌پذیر، فراهم شود. گریزا نسبتا آزان است، می‌تواند حدود چهار تا پنج کیلوگرم مواد منفجره حمل کند و برد آن بنا بر اطلاعات منتشرشده به حدود ۶۰۰ کیلومتر می‌رسد. اطلاعات مورد بحث ظاهرا پس از سفر غیرمعمول اخیر جان رتکلیف، مدیر سیا، به مسکو در اختیار متحدان اروپایی قرار گرفته است. جزئیات بیشتری درباره محتوای آن سفر یا ارتباط مستقیم آن با هشدار منتشر نشده است. گزارش‌های رسانه‌ای در عین حال احتمال داده‌اند مسکو شاید بتواند از تنش‌های سیاسی داخلی و کاهش حمایت عمومی از اوکراین در برخی کشورهای اروپایی، به‌ویژه در آستانه کارزارهای مهم سیاسی، بهره ببرد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان بوشهر اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک برازجان هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۲۴۰۰۲۰۰۴۹۵۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک برازجان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علی محمدی فرزند امیرقلی بشماره شناسنامه ۳۱۲ صادره از دشتستان درششداگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۹۶۵،۶۲ مترمربع قسمتی از پلاک فرعی از ۲۷۵۷ اصلی واقع در اراضی روستای بنداروزخریداری از مالک رسمی محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۲۱

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۷/۰۵

رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک برازجان حمیدرضا باقرپور ۴۱۸۶

شناسه: ۲۲۷۴۹۸۷

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان البرز اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک فردیس هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۲۱۰۰۰۵۱۶۸ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاق سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک فردیس تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی خانم لیلا توکلی فرزند یکشنبه بشماره شناسنامه ۹۸۷۰ صادره از تهران در سه سهم مشاع از سی و سه سهم ششداگ قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۸۴ متر مربع از پلاک شماره ۱۹۶۶ فرعی از ۱۶۳ اصلی واقع در فردیس خیابان ۳۷ جدید یا ۱۳ غربی قدیم پلاک ۶۳ خریداری از مالک رسمی محسن حسینی جم محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

شناسه: ۲۲۷۵۰۲۵

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۲۱

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۷/۰۵

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان بوشهر اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک برازجان هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای اصلاحی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۲۴۰۰۲۰۰۴۸۶ هیات اول/موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک برازجان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقایاختم فاطمه شهریار فرزند شهریار بشماره شناسنامه ۳ صادره از دشتستان دریکدناگ مشاع از ششداگ یک قطعه نخلستان به مساحت ۴۷۶۲۰،۸۴ مترمربع قسمتی ازپلاک فرعی از ۲۸۳۷ اصلی واقع در اراضی روستای عسوی خریداری از مالک رسمی محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۲۱

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۷/۰۵

رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک برازجان حمیدرضا باقرپور ۴۱۶۲

شناسه: ۲۲۷۲۹۴۴

گزارش

روس‌ها به دنبال ضربه به اقتصاد کی‌یف

روسیه در چارچوب کارزار خود علیه اوکراین، جبهه جدیدی را گشوده و این هفته چندین مرکز داده و ارائه‌دهنده خدمات اینترنتی را در کی‌یف هدف قرار داده است؛ اقدامی که به نظر می‌رسد با هدف تضعیف زیرساخت دیجیتال اقتصاد اوکراین انجام شده است. به گزارش وزارت تحول دیجیتال اوکراین، در پی حملات روزهای چهارشنبه و پنجشنبه، حدود صد هزار خانوار در کی‌یف و مناطق اطراف آن برای مدتی با قطعی اینترنت مواجه شدند. بنا بر آنچه گاردین نوشته است، روز جمعه از یک حمله پهلپادی دیگر در مرکز کی‌یف به دفاتر شرکت «بیتاگروپ» اصابت کرد؛ این شرکت یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های مخابراتی اوکراین است. در این حمله، چهار نفر کشته شدند. آندری سیبیها، وزیر امور خارجه اوکراین، در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «روسیه مراکز داده اصلی اوکراین را هدف قرار داده است تا جریان اطلاعات را مختل کند». مقام‌های لهستانی اعلام کردند یک ایستگاه ماهواره‌ای استارلینک در مرکز لهستان که به اوکراین خدمات ارائه می‌کرد، آتش گرفته است. به نظر می‌رسد این حادثه بخشی از یک حمله هماهنگ علیه زیرساخت اینترنت اوکراین بوده باشد. مقام‌های محلی این حادثه را «اقدامی خرابکارانه» مرتبط با مسکو توصیف کردند. روسیه پیش از این نیز مراکز داده اوکراین را به هدف قرار داده بود؛ اما حملاتی در این‌داه پهلپادی جدید محسوب می‌شود. دولت اوکراین از ابتدای جنگ، حفظ اتصال کشور به شبکه‌های ارتباطی را در اولویت قرار داده است. مقام‌های این کشور تلاش کرده‌اند راه‌هایی پیدا کنند تا اپراتورهای تلفن همراه و ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی بتوانند در زمان قطعی‌های طولانی برق، به اندازه کافی برق پشتیبان در اختیار داشته باشند و به فعالیت خود ادامه دهند. ساختار نسبتاً غیرمتمرکز شبکه اینترنت اوکراین نیز باعث شده است حملات منفرد نتوانند به سادگی باعث قطعی گسترده یا طولانی‌مدت اینترنت در شهرها یا مناطق بزرگ شوند. با این حال، با نزدیک‌شدن زمستان، مقام‌های دولتی و فعالان صنعت فناوری نگران هستند تکرار حملات روسیه به‌تدریج شبکه‌هایی را مختل کند که به فعالیت بانک‌ها، سامانه‌های پرداخت و خدمات عمومی اوکراین به آنها وابسته است. سرگئی استرننکو، ویلاک‌نویس مشهور و مشاور پیشین دولت اوکراین، در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «به ساکنان کی‌یف توصیه می‌کنم به‌تدریج برای زمستان آماده شوند... ازجمله با تهیه پایانه‌های استارلینک یا دیگر ابزارهای حفظ ارتباطات». استرننکو افزود: «هدف روس‌ها فقط حمله به زیرساخت انرژی پایخت نیست، بلکه آنها می‌خواهند تمام مراکز داده و اپراتورهای اینترنتی را نیز نابود کنند». با این حملات هم‌زمان با تشدید حملات روسیه به اقتصاد اوکراین انجام شده است. روسیه در هفته‌های اخیر از موشک‌ها و پهلپادهای جدید مجهز به موتور جت برای حمله به انبارها، پمپ‌بنزین‌ها، بنادر و دیگر زیرساخت‌های تجاری استفاده کرده است.